درنگی در یک بیت از رودکی

خیرخواه، سعید

گاهی بعضی از ابیات و اشعار معروف شاعران بزرگ به‏ لحاظ شهرت،زیاد مورد توجه و تدقیق فنی واقع نمی‏شوند.اما اگر با ملاحظه و تأمل بدان‏ها نظر کنیم،ظرافت‏هایی در آن‏ها مشاهده‏ می‏گردد که در بسیاری از موارد اساسی و کارساز است.

چنان‏که بیتی از تغزل معروف رودکی با مطلع:

بوی جوی مولیان آید همی‏ یاد یار مهربان آید همی‏1 آب جیحون از نشاط روی دوست‏ خنگ ما را تا میان آید همی

از دیرباز تا امروز،استادان بزرگ گذشته و حال،هریک‏ به‏گونه‏یی این بیت را معنی کرده‏اند،چنان‏که دکتر خطیب رهبر در گزیده‏ی اشعار رودکی آورده است:2

«آب جیحون به شادی دیدار دوست(مراد نصر بن احمد سامانی)تا کمرگاه اسبان ما بیش برنمی‏آید و هنگام گذاره ما را غرق نمی‏کند».

نیز محمد قاسم صالح رامسری در نمونه‏ی اشعار رودکی همین‏ معنی را بدون کم و زیاد آورده است.3و دکتر اسماعیل حاکمی در گزیده‏ی اشعار رودکی و منوچهری آورده‏اند که آب جیحون به‏ شادی دیدار دوست فرو نشست و به سادگی از آن گذشتیم.دکتر سید جعفر شعار هم،نظری مشابه دارند.

اما در حال حاضر هم،بعضی از استادان بزرگ برآنند که آب‏ جیحون به نشاط و شادی دیدار پادشاه به وجد آمده و بالا می‏آید تا از شاه استقبال کند.4و این برداشت شگفت‏انگیز است که جای‏ چون و چرا دارد و با روال کلی غزل و شأن نزول آن به لحاظ تاریخی و حال و هوای متن(- Context )هم‏سانی و هم‏راهی‏ ندارد.به نظر می‏رسد یادآوری نکاتی در باب این بیت بایسته باشد تا معنی و مفهوم واقعی بیت و منظور و هدف شاعر مشخص گردد. هرچند نگارنده بر آن است که در نظر گرفتن یک معنای واحد برای‏ شعر به لحاظ علمی و انتقادی درست نیست و خواننده مختار است‏ هر معنایی که خواست از شعر که هم‏چون یک تابلوی نقاشی‏ست، برداشت نماید.اما یادآوری این نکته هم بایسته است که این‏ برداشت،الزاما براساس قوانین بلاغی و هنری باشد و به هر جهت راهی به جایی ببرد.به‏هرحال در این مختصر برآنیم تا با ذکر شواهدی،معنای اصلی بیت را که فرونشستن آب می‏باشد، تبیین و توجیه نماییم.

1-با توجه به شأن نزول شعر و توضیح و تفسیرهایی که از زمان شاعر تا امروز در تذکره‏ها و اثار دیگر آورده‏اند،کاملا مشخص است که هدف رودکی از سرودن این تغزل،برخلاف‏ جنبه‏ی غنایی غزلیات عاشقانه یا عارفانه،کارکرد و کاربردی مدحی‏ می‏باشد و شاعر آن را همراه با چنگ،دف و آلات موسیقی در دستگاه عشّاق بر پادشاه انشاد می‏کند و هدف وی لزوما تحریک و تحریض پادشاه برای حرکت به سوی بخارا می‏باشد.زیرا همراهان‏ و خدم و حشم پادشاه،ملول و دل‏تنگ خانمان و زندگی خویش‏ گشته‏اند.بنابراین،پادشاه باید با انگیزه‏یی قوی‏تر و کارسازتر از زیبایی‏های غزنین و هرات تشویق به حرکت شود که رودکی موفق‏ به این کار می‏گردد.

2-با توجه به بیت نخست تغزل یعنی:«

بوی جوی مولیان آید همی/ یاد یار مهربان آید همی

»5پر واضح است که اشاره به‏ معشوقگان پادشاه و احیانا معشوقگان لشکریان در بخارا دارد که‏ مسلّما همراه پادشاه در سفر نیامده‏اند و این یکی از انگیزه‏های‏ قوی تحریک و تحریض پادشاه برای حرکت می‏باشد.بنابراین یار مهربان که بوی و یاد او را نسیم و باد برای پادشاه می‏آورند،همان‏ معشوقگان پادشاه و لشکریان در بخاراست.

3-و به همین دلیل واژه‏ی«دوست»در بیت موردنظر،هرگز نمی‏تواند خود پادشاه باشد و تکرار همان یار مهربان در بیت‏ نخست است.علاوه بر آن در سبک خراسانی هیچ‏گاه پادشاه را با عنوان«دوست»خطاب نمی‏کنند،درحالی‏که در متون عرفانی‏ دوست به معنی خداوند یا معشوق است.هرچند در شعر حافظ به لحاظ چندبعدی بودن معشوق(-خدا،پادشاه یا محبوب زمینی) بتوانیم شاه را با دوست یکی بگیریم،اما به هر جهت در سبک‏ خراسانی رایج نیست.

4-هدف اصلی شاعر با توجه به سختی راه و مشکلات گذشتن‏ از بیابان کشنده‏ی آموی آسان نشان دادن راه به کمک ایهام‏6و تخیل است که بهانه‏یی نیاورد،چنان‏که در چهار مقاله‏ی نظامی عروضی آمده است که شاعر با اتّساق معانی موهمه باعث کارهای‏ بزرگ می‏گردد.بنابراین هم ریگزار کشنده‏ی آموی و هم‏ آب خروشان جیحون که هه را غرق می‏کند با خیال و توهم شاعرانه‏ آسان‏گذر و ساده‏یاب می‏شود و به سادگی می‏توان از آن گذشت‏ که در این‏جا حسن تعلیل زیبایی هم آورده است.

5-از منظر دانش معانی،هرچند تقدیم مسند الیه بر مسند امری طبیعی‏ست،اما طبق روال متعارف شعر،معمولا مسند الیه‏ موخر واقع می‏شود تا برجستگی‏های خاص مسند با اهداف خاص‏ صورت گیرد،درحالی‏که این‏جا به جهت اهمیت ویژه‏ی مسند الیه‏ یعنی عظمت آب جیحون و خروشندگی آن در صدر نشسته و مقدم‏ شده است.نیز آهنگ و مصوت‏های پی‏درپی در ترکیب«آب‏ جیحون»بزرگی،عظمت و خروشندگی آن را القا می‏کند،در حالی که اگر بحث بالا آمدن آب مطرح بود،باید با ابزارهای خاص‏ بلاغی و ادبی کوچک جلوه می‏کرد.

و در این‏جا کاملا فراز سخن در مصراع نخست و فرود آن در مصراع دوم احساس می‏شود.

6-نوشتاری ادبی از محقق و ادیب و نویسنده‏ی بزرگ معاصر، آقای محمد بهمن بیگی در کتاب‏های دبیرستان آمده است‏7که در ستایش ایل خویش می‏گوید:«نامه‏ی برادر با من همان کرد که‏ شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی.آب جیحون فرونشست،ریگ‏ آموی پرنیان شد،بوی جوی مولیان مدهوشم کرد،فردای همان‏ روز ترقی را رها کردم،پا به رکاب گذاشتم و به سوی زندگی روان‏ شدم.تهران را پشت سر نهادم و به سوی بخارا بال و پر گشودم. بخارای من ایل من بود».

7-در هیچ‏جای متون ادبی،بویژه در سبک خراسانی،به نظر نمی‏رسد آب باشوق و نشاط بالا آمده باشد،هرچند این تخیل و حسن تعلیل زیبا و پذیرفتنی‏ست.اما به‏هرحال توجه به بسامد تصاویر و سابقه‏ی آن‏ها اهمیتی خاص در سبک‏شناسی متون‏ دارد.

8-شاعران بزرگ و نویسندگان نامداری مانند حافظ، نجم الدین رازی،رشید الدین میبدی،عین القضاة همدانی و...در بهره‏گیری عارفانه از این شعر رودکی،همان معنی اشتیاق پادشاه‏ به بخارا را در نظر گرفته‏اند و با توجه به برداشت آنان از بیت، واژه‏ی«دوست»همان معشوقگان و یاران بخارایی هستند نه‏ پادشاه.چه به لحاظ سنّت‏های ادبی هم سمرقند و بخارا مرکز زیبارویان بوده است:

خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم‏ کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی

حافظ

در توضیحات کتاب مرصاد العباد نجم الدین رازی به قلم دکتر امین ریاحی آمده است که اولا صورت صحیح بیت این‏گونه است:

باد جوی مولیان آید همی‏ بوی یار مهربان آید همی

و سپس در رباعی صفحه‏ی 216 کتاب مرصاد العباد،همان‏ مفهوم موردنظر ما مورد تاکید واقع شده است.

باد آمد و بوی زلف جانان آورد و آن عشق کهن ناشده‏ی ما نو کرد ای باد تو بوی آشنایی داری‏ زنهار به گرد هیچ بیگانه مگرد

نیز در نوشته‏های عین القضاة همدانی آمده است:

دشت آمو با درشتی راه او زیر پایم پرنیان آید همی

در کتاب جامع الستین این دو بیت آمده است که در آن به‏ رودکی هم شک کرده‏اند:

اسب،ما را ز آرزوی روی او زیر ران جولان کنان آید همی‏ از که جویم وصل او کز هر سویی‏ می نفیر عاشقان آید همی‏8

و با توجه به این ابیات مشخص است که روی او همان معشوق‏ بخار است نه پادشاه!

9-گذشتن از رودخانه‏های بزرگ و دریا مثل نیل و جیحون و فرات از دیرباز در سنّت‏های ادبی،در شمار معجزات و کرامات‏ به حساب می‏آمده است،چنان‏که فرخی سیستانی هم در قصیده‏ی‏ معروف فتح سومنات بدان اشارت دارد:

درون دریا مد آمدی به روز دوبار چنان‏که چرخ زدی اندر آب او چنبر چو مد باز شدی بر کرانش صیادان‏ فروشدندی و کردندی از کرانه حذر ملک چو حال چنان دید خلق را دل داد براند و گفت که این مایه آب را چه خطر امید خویش به ایزد فکند و پیش سپاه‏ فکند باره‏ی فرخنده پی به آب اندر به فال نیک شد و پر دل آب را بگذاشت‏ روان شدند همه از پی سر آن لشکر برآمدند بر آن پی ز آب آن دریا چنان‏که گفتی آن آب بد همی فرغر دو روز و دو شب از آن‏جا همی سپاه گذشت‏ که برنیامد و نگذشت آبش از میزر9

که با توجه به بیت آخر،و بالا نیامدن آب از شلوار،همان بالا نیامدن آب تا کمرگاه اسب را تداعی می‏کند که مؤید بحث ماست.

نیز منوچهری دامغانی در وصف اسب می‏گوید:

چون نهنگان اندر آب و چون پلنگان در جبال‏ در شود بی‏زخم و زجر و در شود بی‏ترس و بیم‏ چون کلنگان در هوا و هم‏چو طاووسان به کوی‏ هم‏چو آذرشت‏10به آتش هم‏چو مرغابی به جوی

که در این‏جا هم گذشتن اسب از آب اهمیتی خاص دارد.

10-هم‏چنین در داستان حضرت نوح در سوره‏ی هود آمده‏ است:

«و قیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء وقضی الامر و استوت علی الجودی...»

16

«و گفته شد ای زمین آب خویش را فرو خور...و فرونشست‏ آب و...»

و در داستان حضرت موسی(ع)هم،فرونشستن آب و بازشدن‏ راه بر او و غرق شدن فرعونیان حائز اهمیت است و این نشانه‏ها بیانگر آن است که رودخانه‏ها در اساطیر و باورهای عمومی مردم‏ همواره خروشان و کشنده بوده‏اند،هرچند حیات‏بخش و زندگی آفرین هم هستند.درست مانند نماد«مار»یا«اژدها»که در اساطیر ایرانی و چینی چنین نقش و خویشکاری را دارا هستند. رودخانه‏ی دجله براساس واژه‏شناسی همان«تیگرت»یا ببر است‏ که می‏خروشد و می‏جوشد و خاقانی هم در قصیده‏ی معروف ایوان‏ مداین با خروشندگی و ابهت رود دجله،تصویرهای زیبایی آفریده‏ است.

به هر جهت در هیچ‏جای متون ادبی و اساطیری،رودخانه،رام‏ و متواضع و بانشاط نیست و خویشکاری عاشقانه به خود نپذیرفته‏ است که بتوان در شعر رودکی هم او را عاشق پادشاه دانست تا از شوق و نشاط او بالا آمده و از وی استقبال کند!پس معنای‏ خلاصه‏ی بیت این‏گونه خواهد بود:

خروش آب جیحون به واسطه‏ی اشتیاق پادشاه و اطرافیانش‏ برای رفتن به بخارا هیچ ترس و اهمیتی ندارد و انگار آن‏قدر پایین‏ رفته است که ما به سادگی از آن می‏گذریم.

پی‏نوشت‏ها

(1)-این بیت براساس اسناد کتاب‏هایی مانند مرصاد العباد وکشف الاسرار،به‏ صورت‏های گونه‏گون آمده است،نظیر:

باد جوی مولیان آید همی/ یادیار مهربان‏ آید همی.

(2)-رودکی،به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر،از مجموعه‏ی سخن پارسی،چاپ‏ چهارم،1368.

(3)-نمونه‏ی اشعار رودکی،انتشارات امیر کبیر،تهران 1363.

(4)-آقایان دکتر سیروس شمیسا،دکتر اصغر دادبه،دکتر محمد راستگوفر،دکتر بهنیا و دوستان و همکاران دیگر به لحاظ واژه‏ی نشاط،بالا آمدن و استقبال آب جیحون‏ را مطرح می‏سازند.

(5)-پیش‏تر اشاره شد،این بیت نخست به گونه‏های مختلف در متون ضبط شده‏ است.

(6)-منظور از ایهام در این‏جا مفهوم اصطلاحی و فنی آن نیست بلکه،توهم و تخیل‏ شاعرانه است،چنان‏که در چهار مقاله‏ی نظامی عروضی،در مقاله‏ی شعر و شاعری‏ آمده است.

(7)-کتاب درسی سوم دبیرستان-رشته‏های عمومی نیز کتابی با نام ایل من‏ بخارای من از مولف.

(8)-مرصاد العباد نجم الدین رازی،به تصحیح محمد امین ریاحی،علمی فرهنگی، 1365ص 576.

(9)-گزیده‏ی اشعار فرخی سیستانی،خلیل خطیب رهبر،مجموعه‏ی سخن‏ پارسی،قصیده‏ی فتح سومنات.

(10)-گزیده‏ی اشعار منوچهری،احمد علی افشار،ص 160،آذرشت به‏جای‏ آذرشست به معنای سمندر.

(11)-سوره‏ی هود،آیه‏ی 44.

کتاب‏های آماده برای توزیع

اشاره:ماهنامه‏ی حافظ،به حبس کتاب عقیده ندارد و هر کتابی را که بیش از یک نسخه از آن را در اختیار داشته باشد،به‏ دیگران هدیه می‏کند.اغلب این کتاب‏ها از سوی ناشران،مولفان یا علاقه‏مندان به کتاب‏خانه‏ی حافظ برای معرفی ارسال شده است‏ و ماهنامه‏ی حافظ هم آن‏ها را به رایگان به همکاران جوان مجله‏ (نوعا دانشجویان دوره‏ی کارشناسی)تقدیم می‏کند.خوانندگان‏ مجله می‏توانند با پرداخت بهای کتاب‏های زیر آن‏ها را دریافت‏ دارند.

نام کتاب

گزینه‏ی غزلیات مولوی

انسان و هستی

تذکره‏ی سخنوران بیهق

شرح دعای کمیل

ولایت‏نامه

یک نیستان ناله

دنبال آب هرگز نباشید

عشق از زبان افلاطون

فرهنگ تعبیر خواب

تاریخچه عقاید اهل حق

کشکول

گنجینه‏ی عرفان

یادداشت‏ها:شرح حال‏ چهارده معصوم

طنزهای سینمایی

نی در نیزار(دفتر شعر)

مولف

دکتر سیروس شمیسا

سرلشکر ناصر فربد

حسن مروجی

سید علینقی امین

محمد کاظم مناهجی(ناهج)

کمال زین الدین

علی صفری آق قلعه

دکتر محمود صناعی

صابر کرمانی

محمد محمدی

عباس طراح

عباس طراح

شیخ علی مهاجرانی

رسول نجفیان

علی رضا دزواره(مانی)

بها

8000 ریال

8000 ریال

30000 ریال

40000 ریال

20000 ریال

29000 ریال

6000 ریال

20000 ریال

15000 ریال

20000 ریال

20000 ریال

30000 ریال

40000 ریال

8000 ریال

16000 ریال

برای این‏که زحمتی برای خوانندگان علاقه‏مند و نیز ما دوستداران شما در دفتر ماهنامه نباشد،لطفا معادل قیمت کتاب‏ مورد درخواست خود،تمبر پستی به دفتر مجله ارسال فرمایید. پس از وصول درخواست شما،اگر کتاب موجود بود،آن را برای‏ شما خواهیم فرستاد.در هر دو صورت هم،هزینه‏ی‏ پست به عهده‏ی دفتر مجله است،تا شما متضرر نشوید و از علاقه‏تان به کتاب‏خوانی کاسته نشود.

نشانی:تهران-تقاطع فلسطین و انقلاب-ساختمان مهر شماره‏ی 2-دفتر ماهنامه‏ی حافظ-کد پستی 14168